

شرق

استفاده روزافزون از انواع پلاستیک در دوران کرونا / عکس: زهره سلیمی، آتا



پرنده آبی

مرگ بی خبر نیامد

دکتر حمیدرضا صدر، دکتریای برنامه‌ریزی شهری در اینستاگرامش نوشت: طی سال‌های تحصیل در رشته شهرسازی دانشگاه تهران در کلاس هر دانشجو به‌عنوان طرح، میدانی از تهران را با تأیید استاد برمی‌گزید و طی ترم، روی آن مطالعه می‌کرد. روند تاریخی، پلان، کاربری‌ها، عناصر به‌کاررفته، عرض و طول و ارتفاع و مصالح، دسترسی‌ها...

از همان زمان تهران بدل شد به یک بنگاه تجاری برای کسانی که دست بر طلای شیرین گذاشتند و آن را از منطقه کوجه‌باغی به منطقه بده‌بستان‌ها بدل کردند. روزگاری شیرین به همه تعلق داشت و به‌تدریج از آن برج‌نشین‌هاشد. تهران بی‌آب صاحب بناهایی شد ب استخرهای بزرگ، شهری که واژه لاکچری در آن پز می‌داد،



درحالی‌که فقر کمی پایین‌تر بیشتر می‌شد و بیشتر خون می‌گریست. کلیپ‌های انفجار کلینیک سینا نشان می‌دهند مقوله پارک و جابه‌جایی اتومبیل‌ها و عرض کوچه و استاندارد‌ها را به هیچ گرفته و مأموران امدادرسانی را هم به بند کشیده‌اند. تصادفاً بنای روبه‌روی کلینیک در کوچه ماهروزاده را خوب می‌شناسم. یکی از دوستانم تا مدت‌ها در آن در یک شرکت هواپیمایی کار می‌کرد و آن کلینیک اجازه نمی‌داد اتومبیل در آن کوچه تارک ونگ حیط شود.

راه و روش سوداگرانه شهرداری تهران هرگز اجازه مداخله به شهرسازها نداد و طرح‌ها را یک‌به‌یک راهی سطل آشغال‌ها کرد. حکایت زمین‌های باغ‌وحش جردن یادمان نرفته. همین‌طور ترازدی سیل میدان تجریش و خیلی چیزهای دیگر. اکنون صدای انفجارها و تصاویر غم‌انگیز قربانیان؛ فریاد می‌زنند نه مرگ این‌بار بی‌خبر نیامده....

روزنامه

نور نوشت



تلواسه‌های کرونایی

برآورده‌شدن آرزوی ۵۰ساله



محمود برآبادی

● امروز خبر رسید یکی از دوستان نویسنده بر اثر کرونا فوت کرده. گفتیم: «حیف شد! در این اوضاع کرونایی هم که نمی‌شود در مراسم تشییع و خاکسپاری‌اش شرکت کرد.» خاتم گفت: «تو آن موقع هم که کرونا نبود این‌طور مراسم‌ها را نمی‌رفتی.» گفتیم: «راست می‌گویی، ولی آن‌موقع آن‌قدر شرکت می‌کردند که بود و نبود من تأثیری نداشت.» خاتم گفت: «از این اسدالله امرایی یاد بگیر که پای ثابت همه مراسم‌های خاکسپاری است. مطمئناً تو اگر بمیری کسی پیدا نمی‌شود تابوتت را بلند کند.»

گفتیم: «غصه آن‌موقع را نخور. من هم به اندازه خودم گریه‌کن دارم.» گفت: «مگر همین لاک‌پشت ماک‌پشتی‌ها برایت گریه کنند.»

● آدم جوان مثل کسی است که به قول قدیمی‌ها جیش پیپول است یا به قول امروزی‌ها حسابش پر است. راحت خرج می‌کند و نگران تمام‌شدنش هم نیست و هرقدر هم بگویی حواست به جیبش باشد، گوشش بدهکار نیست؛ آدم پیر مثل کسی است که پول‌هایش ته کشیده و باید حساب کار دستش باشد و آرام‌آرام خرج کند. حواشش به تمه زمانی که برایش مانده هست.

دوستم که تا حالا ساکت بود و به حرف‌های من از پشت تلفن گوش می‌داد، گفت: «ولی خوبی مرگ این است که چه مانه‌ات زیاد باشد چه کم، همه را صفر می‌کند.»

● داشتن آرزو عیب نیست. انسان به آرزو و نیز امید زنده است، اما از قدیم گفته‌اند: «آرزو باید در زمان خودش برآورده شود وگرنه دیگر لطفی ندارد.» یاد خاطره‌ای اقدام‌که بد نیست برایتان تعریف کنم. بچه که بودم یک روز همراه پدرم از بازار سرپوشیده سبزوآر که روبه‌روی امامزاده یحیی بود می‌گذشتیم. کفش‌هایی جفت جفت جلوی مغازه‌های کفاشی چیده بودند. کفش‌هایی که از چرمی کلفت درست شده بود و خیلی محکم و بادوام به نظر می‌رسید و به آن پاوراز می‌گفتند که تلفظ محلی پای‌افزار است.

نوتردام مثل گذشته

ایسنا؛ وزیر فرهنگ فرانسه اعلام کرد طراحی مناره کلیسای تاریخی «نوتردام» تغییر نخواهد کرد و ظاهر این کلیسا پس از بازسازی مانند گذشته خواهد بود.

«امانوئل مکرون»، رئیس‌جمهوری فرانسه، ایده نه‌چندان محبوب بازسازی مناره کلیسای نوتردام با طراحی مدرن را منتفی اعلام کرد.

چند روز پس از حادثه آتش‌سوزی سال گذشته کلیسای «نوتردام»، رئیس‌جمهوری فرانسه ایده بازسازی مناره ویران‌شده این بنای تاریخی را با طراحی جدید مطرح کرده بود.

مغز اجتماعی – ۱۲۲

کرونا، نیشتری بر دمل چرکین جهان بدن‌مند امروز

بهبودیافته از کووید ۱۹ در سال دیگر، در زیر فشارهای محیطی و فرهنگی و عوارض اجتماعی پساکروناایی در معرض انواع واکنش‌های خودایمنی تخریبی مغزی و در نتیجه عوارض هیجانی، شناختی و رفتاری قرار بگیرند. همان‌طور که در پاندمی ۱۹۱۸ ناشی از آنفلوآنزای اسپانیایی تحت شرایط زیست‌محیطی سخت (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) در بین دو جنگ جهانی خانمان‌سوز بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ به مدت ۱۰ سال حدود ۵۰ میلیون نفر مبتلا به بیماری ناشی از ورم مغزی به نام انسفالیتارزیک (بیماری خواب) شدند؛ یک‌سوم افراد مبتلا مردند و بسیاری که نجات پیدا کردند، در دنیایی برزخی بین خواب و بیداری، در تعلیق میان مرگ و زندگی، به‌صورت مومیایی‌شده و زامبی گرفتار شدند. کنستانتین فون اگونومو، پزشک اتریشی که اولین‌بار شیوع این تورم مغزی را شرح داد، افراد مبتلا را به آتشفشان‌های خاموش، به خواب‌فرورفتگان منتظر بیداری یا موجودات در حالت تعلیق از نظر هستی‌شناختی تشبیه کرده است. اگونومو، بیش از ۵۰۰ نوع علامت بیماری را در رفتار و کردار افراد مبتلا به این بیماری شرح می‌دهد که با زندگی طبیعی از نظر عاطفی و اجتماعی منافات دارد. این بیماری هولناک نتیجه مستقیم اثر ویروس روی مغز نبوده است، بلکه ناشی از مصائب فشارهای محیطی در همه عرصه‌های شرایط زندگی بر بدن بوده که موجب اشتباهات خودایمنی هنگام اضطراب و خودتخریبی بافت مغزی شده است. البور ساکس در کتاب «بیداری‌ها» که در سال ۱۹۷۰ منتشر شد، شرح‌حال طولانی ۲۰ نفر از بازماندگان التهابات مغزی ناشی از انسفالیت‌لارزیک (بیماری خواب) را پس از ۵۰ سال از تاریخ وقوع آن می‌نویسد. آنچه در تجربیات پزشکی و نورولوژیک البور ساکس در این کتاب مهم بود، نحوه مصرف داروی الدویا در درمان بیماران مبتلا به مرض خواب نبود، بلکه افزودن نگاه انسانی پدیدارشناختی و هستی‌شناختی و به قول خودش استفاده از پزشکی اگزیستانس (وجودی) در برخورد و درمان با این بیماران بود. ساکس، از فریدریش نیچه، فیلسوف آلمانی، در پیش‌درآمد کتاب حکمت شادان نقل قول می‌آورد که: فلسفه‌را باید در بستر فهم یا کج‌فهمی از «بدن» تعریف کرد. اغلب بیماران نجات‌یافته از بیماری خواب نمی‌توانند خودشان به‌تهنایی حرکت کنند و در سر جای خود بی‌خزده باقی مانده‌اند یا قدم‌های آهسته، کوتاه و نامطمئنی دارند. جالب اینکه به محض اینکه کسی با آنها همراه می‌شود، حتی اگر تماسی بدنی هم نداشته باشد، حضور و همراهی کافی است تا

بهبودیافته از کووید ۱۹ در سال دیگر، در زیر فشارهای محیطی و فرهنگی و عوارض اجتماعی پساکروناایی در معرض انواع واکنش‌های خودایمنی تخریبی مغزی و در نتیجه عوارض هیجانی، شناختی و رفتاری قرار بگیرند. همان‌طور که در پاندمی ۱۹۱۸ ناشی از آنفلوآنزای اسپانیایی تحت شرایط زیست‌محیطی سخت (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) در بین دو جنگ جهانی خانمان‌سوز بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ به مدت ۱۰ سال حدود ۵۰ میلیون نفر مبتلا به بیماری ناشی از ورم مغزی به نام انسفالیتارزیک (بیماری خواب) شدند؛ یک‌سوم افراد مبتلا مردند و بسیاری که نجات پیدا کردند، در دنیایی برزخی بین خواب و بیداری، در تعلیق میان مرگ و زندگی، به‌صورت مومیایی‌شده و زامبی گرفتار شدند. کنستانتین فون اگونومو، پزشک اتریشی که اولین‌بار شیوع این تورم مغزی را شرح داد، افراد مبتلا را به آتشفشان‌های خاموش، به خواب‌فرورفتگان منتظر بیداری یا موجودات در حالت تعلیق از نظر هستی‌شناختی تشبیه کرده است. اگونومو، بیش از ۵۰۰ نوع علامت بیماری را در رفتار و کردار افراد مبتلا به این بیماری شرح می‌دهد که با زندگی طبیعی از نظر عاطفی و اجتماعی منافات دارد. این بیماری هولناک نتیجه مستقیم اثر ویروس روی مغز نبوده است، بلکه ناشی از مصائب فشارهای محیطی در همه عرصه‌های شرایط زندگی بر بدن بوده که موجب اشتباهات خودایمنی هنگام اضطراب و خودتخریبی بافت مغزی شده است. البور ساکس در کتاب «بیداری‌ها» که در سال ۱۹۷۰ منتشر شد، شرح‌حال طولانی ۲۰ نفر از بازماندگان التهابات مغزی ناشی از انسفالیت‌لارزیک (بیماری خواب) را پس از ۵۰ سال از تاریخ وقوع آن می‌نویسد. آنچه در تجربیات پزشکی و نورولوژیک البور ساکس در این کتاب مهم بود، نحوه مصرف داروی الدویا در درمان بیماران مبتلا به مرض خواب نبود، بلکه افزودن نگاه انسانی پدیدارشناختی و هستی‌شناختی و به قول خودش استفاده از پزشکی اگزیستانس (وجودی) در برخورد و درمان با این بیماران بود. ساکس، از فریدریش نیچه، فیلسوف آلمانی، در پیش‌درآمد کتاب حکمت شادان نقل قول می‌آورد که: فلسفه‌را باید در بستر فهم یا کج‌فهمی از «بدن» تعریف کرد. اغلب بیماران نجات‌یافته از بیماری خواب نمی‌توانند خودشان به‌تهنایی حرکت کنند و در سر جای خود بی‌خزده باقی مانده‌اند یا قدم‌های آهسته، کوتاه و نامطمئنی دارند. جالب اینکه به محض اینکه کسی با آنها همراه می‌شود، حتی اگر تماسی بدنی هم نداشته باشد، حضور و همراهی کافی است تا



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

هرچه بیشتر می‌گذرد، شاهد آن هستیم که ویروس ناچیز کرونا در بدن پیچیده انسان‌ها در شرایط زیست متنوع و گوناگون، نمایش‌های نوظهور و تازه‌تری را بروز می‌دهد. به نظر نمی‌رسد این تنوع، نتیجه جهش‌های ژنتیکی ویروس کرونا باشد. شواهد تأیید می‌کند که این رنگارنگی در تظاهرات و واکنش‌های بدنی در مقابل ویروس کرونا، اغلب ناشی از سراسیمگی کنش‌های متقابل التهابی و گاه خودتخریب‌گر بدن انسان‌های تحت فشار در جریان کوگیری با تحولات سریع و پرشتاب فرهنگ زیستی در جامعه امروز باشد. بدیهی است که دامنه این خودتخریبی شامل همه اعضای بدن انسان اجتماعی، حتی مغز نیز می‌شود. اگر قبول کنیم که وجود بدن‌مند انسان، دو رویه فیزیکی و زیستی، ابژکتیو و سوژکتیو دارد و برای جهان انسانی نیز این دو رویه را قائل باشیم، باید مصائب این دو رویه زیست‌جهان را نیز از نظر پدیدارشناسی در راستای یکدیگر بدانیم. آنچه متفاوت است، منظرگاهی است که از آن به پدیدارهای جهان نگاه می‌شود. انسان نیز به خود و دیگری می‌تواند از منظر سوم‌شخص (فیزیکی، مورد شناسایی) بنگرد یا از منظر اول یا دوم‌شخص (سوژکتیو، عامل شناسا). بدن‌مندی انسان نیز دو حوزه فیزیکی (ابژکتیو) و زیستی (سوژکتیو) دارد. ویروس کرونا با هر دو وجه بدن‌مندی انسان و زیست‌جهان سروکار دارد و نیشتری بر دمل چرکین به هر دو سطح جهان انسانی (فیزیکی و زیستی) است، دملی که قبل از کرونا به‌طور نامحسوسی بر تمامی ابعاد زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی انسان ریشه دوانده بود؛ بنابراین ما در بحران کرونا و پساکرونا، تنها با موضوعی زیست‌شناسی یا پزشکی روبه‌رو نیستیم، بلکه با عارضه‌ای دربرگیرنده کلیتی از بدن‌مندی جهان انسانی با تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن روبه‌رو هستیم. هم‌اکنون طبق مطالعاتی که در دانشگاه کالج لندن (یوسی‌ال) در حال انجام است، این احتمال شدیداً مطرح است که پاندمی کووید ۱۹ در افراد مبتلا پس از بهبود علائم حاد می‌تواند موجب عواقبی مانند اختلال شناختی و رفتاری ناشی از التهابات ناشی از واکنش‌های خودایمنی آسیب‌رسان مغزی شود. پیش‌بینی می‌شود حدود یک میلیون نفر از افراد

تلنگر

آسیب با تدبیر مدیریت می‌شود نه با دادوبیداد

زمینه آسیب‌های اجتماعی، تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مطالبه‌گری اجتماعی در حوزه آسیب‌های اجتماعی، تقویت مداخله‌های مددکاری اجتماعی قبل از مداخله‌های قضائی – انتظامی، ارتقای سطح بهداشت روان، گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، تقویت بنیان خانواده و توانمندسازی افراد و گروه‌های در معرض آسیب اجتماعی، بسط و گسترش روحیه نشاط و شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی و تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی، پیشگیری اولیه از بروز آسیب‌های اجتماعی از طریق اصلاح برنامه‌های درسی دوره آموزشی عمومی و پیش‌بینی آموزش‌های اجتماعی و ارتقای مهارت‌های زندگی نیز موضوعات کلیدی در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی هستند. محورهای مهم دیگری هم هستند که برخی از آنها خدمات‌رسانی به‌موقع به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با مشارکت سازمان‌های غیردولتی، بازتوانی آسیب‌دیدگان اجتماعی و فراهم‌کردن زمینه بازگشت آنها به جامعه، توجه به آینده‌نگری و آینده‌پژوهی در حوزه آسیب‌های اجتماعی، تقویت هماهنگی میان قوای مختلف در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی در جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی هستند. تقویت رویکردهای اجتماع‌محور در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ فراموش نکنیم که اگر می‌خواهیم آسیب‌های اجتماعی کنترل نشود نه اینکه الان و در کوتاه‌مدت کاهش پیدا کند، تأکید می‌کنم لازم است تمرکزمان را روی کنترل روند رشد آسیب‌های اجتماعی بگذاریم و به نگاهی که در این یادداشت اشاره کردم، توجه کنیم. با دادوبیداد و سروصدا و دعوای جناحی و سیاسی آسیب‌های اجتماعی مدیریت نمی‌شود. مراقب باشیم که دود آسیب‌های اجتماعی به چشم همه ما خواهد رفت و همه ما آسیب خواهیم داد.

بومی‌سازی آنان، توجه به سطوح مختلف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تقویت رویکردهای اجتماعی در محلات ناآرام‌کدام شهری، استفاده از ظرفیت‌های مدیریت شهری در این حوزه و تقویت هویت فرهنگی (دینی، ملی، قوم‌ی) به‌منظور مقابله با تهاجم و ناتوی فرهنگی و افزایش تعلق و انسجام اجتماعی از جمله مواردی است که توجه به آنها در کشور یک ضرورت است. همچنین در کنار موضوعات بالا نباید از سایر محورها غفلت شود؛ از جمله این محورها می‌توان به تسهیل دسترسی مردم به خدمات اجتماعی تخصصی مورد نیاز؛ تولید دانش بومی در حوزه آسیب‌های اجتماعی با الحاظ شرایط مذهبی و فرهنگی جامعه، توسعه برنامه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در مدارس و دانشگاه‌ها، زمینه‌سازی برای افزایش مشارکت اجتماعی مردم و سازمان‌های غیردولتی، خیرین، انجمن‌های صنفی- علمی، فعالان اجتماعی، هنرمندان، ورزشکاران و روحانیون در زمینه آسیب‌های اجتماعی، بازنگری در قوانین مرتبط با آسیب‌های اجتماعی به‌منظور قضا‌دایی، تقویت رویکردهای ایجابی به‌جای رویکردهای سلبی در زمینه آسیب‌های اجتماعی، سیاست‌گذاری‌های مناسب رسانه‌ای به‌منظور اطلاع‌رسانی مناسب و افزایش آگاهی مردم در زمینه آسیب‌های اجتماعی؛ تقویت رویکردهای اجتماعی در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی اشاره کرد. فراگیرکردن آموزش مهارت‌های زندگی در کشور با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مدارس، دانشگاه‌ها، تشکلهای دینی، فرهنگی و اجتماعی. افزایش سرمایه اجتماعی با تقویت مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی، تربیت کادر متخصص بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و دینی، افزایش سواد مجازی و رسانه‌ای آحاد جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان، بهره‌گیری از دانش و تجارب جهانی و توسعه پژوهش‌ها، تحقیقات بنیادی و کاربردی در



سیدحسین موسوی‌چلک

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

جوامع در طول حیات خود با مسائل و مشکلات مختلفی مواجه شدند که از جمله آنها آسیب‌های اجتماعی است که به‌تناسب انواع آن، تمهیدات متعددی برای کنترل و کاهش آنها اتخاذ کرده‌اند. جامعه ما نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نخواهد بود. به‌همین‌دلیل باوجود همه تمهیدات اتخاذشده و اقدامات انجام‌شده امروز شاهد شرایطی در کشور هستیم که ایجاب می‌کند به این موضوع توجه بیشتر شود. از جمله این شرایط می‌توان به تنوع آسیب‌های اجتماعی، کاهش سن افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی، رشد آمار آسیب‌های اجتماعی، گسترش آسیب‌های اجتماعی ناشی از فضا‌های مجازی و تکنولوژی، جلوتربودن آسیب‌های اجتماعی از برنامه‌ها، فراگیربودن برنامه‌های اجرائی در کشور، غالب‌بودن رویکردهای سیاسی – امنیتی نسبت به آسیب‌های اجتماعی، عدم توجه کافی به مسائل اجتماعی در کنار مسائل اقتصادی، سیاسی و... همه این شرایط و شرایط دیگر ایجاب می‌کند در زمینه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور به این مسئله توجه و اهتمام بیشتر داشته باشند. اتخاذ سازوکارهای مناسب برای رصد مستمر آسیب‌های اجتماعی در کشور، شنجش مستمر وضعیت سلامت اجتماعی در سطوح ملی، استانی و شهرستانی، الزام به تهیه پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌ها و طرح‌های ملی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و دینی، افزایش سواد مجازی و رسانه‌ای آحاد جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان، بهره‌گیری از دانش و تجارب جهانی و

تجربه دیگران

سرنشین (پهباد) و سگ‌های جست‌وجوگر خود هفت ساعت را صرف پیداکردن او کرد. به گفته رسانه‌های کره جنوبی، پلیس احتمال می‌داد پارک وون سون دست به خودکشی زده باشد. معلوم نیست چرا پارک وون سون ناگهان ناپدید شد و چه عملی احتمالا از او سر زده بود که منجر به چنین تصمیمی شد. در رسانه‌های کره جنوبی اطلاع داده می‌شود که ممکن است اتهام آزار جنسی که یکی از کارمندان سابق شهرداری به او زده، باعث چنین تصمیمی شده باشد. این کارمند زن علیه او شکایت کرده است. پارک وون سون انسانی خوش‌نام بود و پیش از این به‌عنوان وکیل‌مدافع حقوق بشر و فعال مدنی فعالیت می‌کرد.

اعلام شده اما هنوز ابهام زیادی درباره علت مرگ او وجود دارد. سناریوهایی که برخی از آنها با ظاهر مقبول و محبوب آقای شهردار هم‌خوانی ندارد. مرگ او چنان مردم سئول را در بهت فرو برده که به گفته نماینده مردم سئول برای اولین‌بار در تاریخ این شهر چنین سوگواری با پنج روز عزای عمومی ترتیب داده شده است. همچنین قرار است مراسم سوگواری برای وداع شهروندان با شهردارشان، در برابر شهرداری برپا شود. جسد شهردار ۶۴ساله پایتخت کره جنوبی اندکی پس از نیمه‌شب در کوه بوکاک در شمال کلان‌شهر ۱۰میلیونی سئول پیدا شد. دختر او روز پنجشنبه از مفقودشدن پدرش خبر داد. بوکاک به پلیس با تیم بزرگی از افراد، هواپیماهای بدون

«قتل»: سرنوشت مشترک شهردارهای تهران وسئول

سرنوشت مدیریت شهری تهران و سئول، غیر از تبادل نام خیابان‌هایی در دو کشور، در یک مسئله دیگر هم شباهت‌هایی پیدا کرده است. ارتباط شهردارهای این شهرها با یک پرونده جنایی. خرداد سال گذشته بود که پرونده قتل میترا استاد نام مددعلی نجفی، شهردار سابق تهران را در رسانه‌های ایران و جهان بر سر زبان‌ها انداخت. حالا یک سال بعد از آن واقعه شهردار یک کلان‌شهر و پایتخت دیگر در دنیا درگیر یک پرونده قتل شده است. با این تفاوت که این‌بار شهردار نه متهم به قتل که مقتول است. حالا در سئول برای مرگ شهروکننده پارک وون سون پنج روز عزای عمومی در دنیال داشت.